

عنوان مقاله:

تحول رابطه دین و سیاست در ایران باستان مطالعه موردی عصر ساسانیان

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره 14، شماره 53 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

داریوش رحمتی - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

آناهیتا معتضد راد - استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

علی فلاح نژاد - استادیار گروه علوم سیاسی، خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

خلاصه مقاله:

یکی از مقولات مهم مورد بحث و مناقشه در جامعه ایران، دین و سیاست و چگونگی رابطه میان آنهاست. از زمان پیدایش نخستین حکومت در ایران توسط سلسله هخامنشی، کارکرد دین در مشروعیت سازی حکومت یا ایجاد همبستگی ملی و در نهایت شکل دهی به باورهای سیاسی ملت محدود و البته غیررسمی بود و جزئی از فرهنگ قلمداد می شد. این روند تا زمان ساسانیان که به تدریج رابطه دین و سیاست به شرایط سیاسی وقت تحول می یابد تا اوج خود رسید. در دوره ساسانی و رود دین به ساختار رسمی سیاست سبب پیدایش طبقه روحانیون که به طور رسمی در شکل گیری ساختارهای رسمی حکومت موثر بوده است منتهی می گردد. مشی حکومت هم نزدیکی به دین و ارتباط با آن است. بر همین اساس چگونگی رسمیت یافتن دین و متمرکز شدن قدرت مسئله اصلی این پژوهش را تشکیل می دهد. این نوشتار بر این باور است که چالشهای عمده داخلی همانند جنبش اجتماعی-ایدئولوژیک مانع و چالشهای خارجی حادث شده بر امپراطوری نوبنیان ساسانی از جمله حفظ تمامیت ارضی قلمرو امپراطوری و پیوستگی ملل گوناگون با ادیان خاص خود و البته نامتجانس با حکومت ساسانی، و از سوی دیگر گسترش و نفوذ دو رقیب قدرتمند ساسانی در جوار مرزهای شرقی و غربی (بوداومسیحیت) که هر دو متکی بر دین و فرهنگی ویژه خود بودند سبب شدند تا سیاست به سمت متمرکز شدن و دین به سوی رسمیت یافتن در ساختار سیاست پیش رود. برای پاسخ به دغدغه اصلی این پژوهش از روش تاریخی بهره برده شده است. یافته های پژوهش مبین تایید فرض اصلی پژوهش مبنی بر تاثیر چالشهای عمده داخلی و چالش های خارجی بر تمرکز یافتن قدرت و سیاست و همچنین رسمیت یافتن دین در سیاست گردیدند.

کلمات کلیدی:

تمرکز دین، سیاست، فره ایزدی، تمرکز قدرت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1443527>

